سخن تازه

هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی

صاحب امتیاز: بتول‌هاشمی‌معصومی

مدیرمسوول: ابوالقاسم محمودآبادی

دریافت سوژه و آگهی: مصطفی کریمی ۰۹۱۳۳۴۷۵۱۹۱

چاپ: مهدوی کرمان

نشانی: سیرجان، بلوار دکتر صادقی روبروی داروخانه آریا

تلفن: ۴۲۲۳۱۳۳۵

سایت‌اینترنتی: www.sokhanetazeh.com

پست الکترونیکی: sokhan.tazeh@Gmail.com

اینستاگرام: Sokhan_Tazeh

«عناصر خودسر» را سر جای خود بنشانید

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود با عنوان «با تفرقه‌افکنان برخورد کنید» نوشت: در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان داخلی و خارجی می‌گفتند با شورش‌های قومی در چند نقطه کشور بساط انقلاب جمع می‌شود و اوضاع به حالت قبل از انقلاب برمی‌گردد ولی شورش‌ها سرکوب شدند و انقلاب ماند.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صدام و حزب بعث عراق با برنامه‌ریزی آمریکا جنگ تحمیلی اول را علیه ایران شروع کردند با این هدف که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند ولی بعد از ۸ سال جنگ به پایان رسید و انقلاب و نظام ماندند و صدام در نهایت ذلت اعدام و حزب بعث عراق منحل شد.

در هفتم تیر ۱۳۶۰ وقتی منافقین دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را منفجر کردند و آیت‌الله بهشتی و جمعی از وزرا و نمایندگان مجلس و سایر مسئولین و فعالان سیاسی را به شهادت رساندند گفتند با این واقعه کار نظام تمام است ولی نظام جمهوری اسلامی ماند و حتی قدرتمندتر از گذشته به حیات خود ادامه داد.

تمام دشمنان خارجی و اذناب آنها در داخل می‌گفتند وقتی امام خمینی از دنیا برود نظام جمهوری اسلامی هم به پایان عمر خود خواهد رسید. امام در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ به لقاءالله پیوست ولی نظام جمهوری اسلامی ماند.

در جنگ ۱۲روزه خرداد و تیر ۱۴۰۴ هدف آمریکا و اسرائیل این بود که نظام جمهوری اسلامی را براندازی کنند ولی نتوانستند. آنها برنامه‌شان را با شورش ۱۸ و ۱۹ دیماه ۱۴۰۴ دنبال کردند و سلطنت‌طلب‌ها به آنها اطمینان داده بودند که با این شورش کار نظام یکسره خواهد شد ولی نشد.برای جنگ تحمیلی سوم که در ۹ اسفند ۱۴۰۴ شروع شد و آمریکا و اسرائیل در اولین گام جنایتکارانه‌شان، رهبر و فرماندهان ارشد نظامی را به شهادت رساندند و مراکز نظامی و بسیج و انتظامی و حتی مراکز درمانی را بمباران و موشکباران کردند.

برنامه این بود که ایران را ظرف سه روز تسخیر کنند و نظام جمهوری اسلامی را تغییر بدهند ولی باز هم نتوانستند و ایران با سرافرازی ماند و پرچم نظام جمهوری اسلامی در سرتاسر جهان حتی در میدان‌های ورزشی آمریکا به اهتزاز درآمد.

آمریکا در میناب و لامرد و چند شهر دیگر دانش‌آموزان و معلمان را قتل‌عام کرد، پل‌ها، تأسیسات آب و برق و زیرساخت‌ها را مورد حمله قرار داد و مردم ایران را به عقب راندن به عصر حجر تهدید کرد ولی باز هم نتوانست کاری از پیش ببرد و رئیس جمهور آمریکا ناچار شد حرف خود را درباره تغییر نظام پس بگیرد.

آنها و تمام مخالفان نظام جمهوری اسلامی فکر می‌کردند با شهادت رهبری همه چیز تمام می‌شود و از این نظام چیزی باقی نمی‌ماند ولی دیدند و دیدیم که نه‌تنها چنین نشد بلکه به برکت خون شهدای جنگ رمضان با اینکه کشور به مدت ۴۰ شبانه‌روز زیر شدیدترین موشکباران‌ها و بمباران‌ها قرار داشت، ایران جدیدی متولد شد که مورد احترام جهانیان است و نظام جمهوری اسلامی با اقتدار بیشتر به حیات خود ادامه می‌دهد.

این ناکامی دائمی دشمنان و استحکام ایران و نظام جمهوری اسلامی در عین حال که مرهون قدرت دفاعی و پایمردی نیروهای مسلح هم است ولی بیش از هر چیز بر وحدت کلمه مردم و انسجام ملت تکیه دارد. آمریکا و اسرائیل در هر سه توطئه جنگ ۱۲روزه، شورش دیماه و جنگ ۴۰روزه بیشترین حساب را روی پیاده‌نظام داخلی خود باز کرده بودند و با صراحت گفته بودند کار اصلی یعنی تسخیر شهرها را آنها انجام خواهند داد.

ترامپ و نتانیاهو و افرادی که به آنها مشورت می‌دهند دچار خطای بزرگ محاسباتی شده بودند. آنها به یک اقلیت ناچیز وطن‌فروش دل بسته و از اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران غفلت کرده بودند که برای حفاظت از کشورشان تا پایان جان می‌ایستند و هرگز حاضر نمی‌شوند به خاطر مشکلات داخلی به بیگانگان اجازه دخالت بدهند.

حوادث سه گانه سال ۱۴۰۴ به سران آمریکا و اسرائیل به روشنی فهماند که در ایران با تمام ملت طرف هستند، ملتی که با وحدت کلمه و انسجام خود دشمن را در تمام زمینه‌ها ناکام و ایران را به سنگری تسخیرناپذیر تبدیل می‌کند. درک این واقعیت برای دشمن، اکنون به یک اهرم برای پیدا کردن راه جدیدی تبدیل شده که می‌تواند با پیمودن آن به هدف شوم خود برسد.

دشمن اکنون به شکستن وحدت کلمه و ایجاد تفرقه میان مردم فکر می‌کند و متأسفانه عناصری در داخل – آگاهانه یا ناآگاهانه – به او برای تحقق آنچه می‌خواهد کمک می‌کنند. در روزهای اخیر آتش تفرقه شعله‌ورتر شده و عناصر خودسر در حال دامن زدن به آن هستند. عقلای قوم درصدد چاره برآیند و با تفرقه‌افکنان برخورد قاطعانه کنند تا دشمن در این توطئه خطرناک نیز ناکام شود.

ویترین آخر

اختلالات شبکهٔ بانکی و مخالفان اینترنت

عصر ایران؛ مهرداد خدیر – اختلالات شبکهٔ بانکی که مشخصا در خدمات الکترونیکی و دیجیتال چند بانک مهم جلوه کرده روح و روان مردم و کاربران را آزرده و آنان را نگران ساخته این اتفاق اما سبب شده مخالفان بازگشایی اینترنت به مثابه آب گل‌آلود در صدد بهره‌جویی از آن برآیند و ماهی خود را صید کنند و اختلال بانکی را به بازگشایی اینترنت ربط دهند! در حالی که اگر هم چنین باشد باز هم توجیه قطع نیست و یادآور همان مثال همیشگی است: اگر ازدواجی نباشد طلاقی هم در کار نیست، پس مهم‌ترین عامل طلاق، ازدواج است! حال آن که این مدعا را جز در مقام مطایبه بر زبان نمی‌آورند.

مدیر عامل شرکت ارتباطات زیرساخت البته با ذکر سه دلیل این مدعا را رد کرده و یادآور شده:

اولا سامانه‌های بانک‌های دچار اختلال به اینترنت عمومی متصل نیستند و سایر سامانه‌ها نیز «ایران اکسس» است.

ثانیا روزانه به طور متوسط حدود ۳۵۰ هزار رخداد امنیتی با منشأ شبکهٔ داخلی و حدود ۲۵۰ هزار رخداد با منشأ اینترنت بین‌الملل ثبت می‌شود.

ثالثا در دورهٔ محدودیت‌ها نیز بیش از ۱۰ درصد کاربران همچنان به اینترنت بین‌الملل دسترسی داشتند.

بهزاد اکبری با این توضیح فنی و تخصصی یادآور شده:» «دعاهای بی‌پشتوانه به شناخت ریشهٔ واقعی رخدادها و ارتقای امنیت، کمک نمی‌کند.»

تا اینجا چرایی بهره از تمثیل ماهی‌گیری از آب آلوده مشخص شد.

وجه مهم‌تر و جدی‌تر اما این است که اتفاقا قضیه به عکس است و ریشهٔ اختلال را جز بحث‌های امنیتی و جنگ‌های سایبری و نه در اتصال اینترنت که در فیلترینگی باید دید که امثال این نمایندهٔ معترض مدافع آن‌اند. سال ها بر در و دیوار می‌نوشتند با ویدیو در خانه فحشا را در خانه آورده‌ایم! حالا اما با فیلترینگ، فیلترشکن‌ها را نه به خانه که به هر جا که هستیم وارد کرده ایم.

با فیلترینگ پیام رسان‌ها قبح استفاده از فیلترشکن‌ها را ریخته‌اند. فیلترینگ باعث شده بخش قابل توجهی از کاربران و حتی کارشناسان فنی برای دسترسی به سرویس‌های ضروری، به استفاده دایم از فیلترشکن‌ها و پروکسی‌های ناشناس وابسته شوند؛ ابزارهایی که بسیاری از آن‌ها از منابع نامعتبر توزیع شده و دسترسی گسترده‌ای به ترافیک اینترنت کاربران دارند. این وابستگی، سطح حمله (Attack Surface) را به‌طور قابل توجهی افزایش داده و امکان سرقت اطلاعات، رهگیری ارتباطات، تزریق بدافزار و اجرای حملات را برای مهاجمان فراهم می‌کند.

در چنین شرایطی، فیلترینگ نه‌تنها مانعی در برابر مهاجمان ایجاد نمی‌کند، بلکه با گسترش استفاده از ابزارهای غیرقابل اعتماد، به عاملی برای افزایش ریسک نفوذ و کاهش دید عملیاتی مدافعان سایبری تبدیل می‌شود.

فوتبال هم به خط قرمز تبدیل شد!

سایت رویداد ۲۴ نوشت: زمان زیادی از روزی که که یک نادان در صداوسیما با صراحت خطاب به مردم ایران گفت اگر دنبال سبک زندگی متفاوت از سبک زندگی مورد تایید ما هستید، جمع کنید و از ایران بروید. پیش از آن ما سال‌ها با پدیده حذف نظر مخالف مواجه بودیم، اما آن اتفاق نقطه عطفی در دوگانه سازی تندروها بود. روزی که علنا آب پاکی را روی دست مردم ریختند و آنچه مدت‌ها در دلشان سنگینی می‌کرد را بیرون ریختند.

همینطور جلو آمدیم تا رسیدیم به روزی که فهمیدیم نه تنها مسائل بسیار کلان سیاسی کشور که حتی مساله ساده‌ای مثل دوست نداشتن چند بازیکن فوتبال هم می‌تواند عده‌ای از مردم را به راحتی در دسته خائنان و بی وطنان و آنهایی که باید جمع کنند و از کشور بروند قرار دهد. این احتمالا تنگ‌ترین حلقه خودی‌هاست که به مساله پیش پا افتاده ای مانند فوتبال رسیده، اما کسی چه می‌داند؟ شاید روزی رسید که چیزهای ساده تری مثل دوست نداشتن یک فیلم سینمایی ایرانی یا علاقه نداشتن به قرمه سبزی هم بتواند از یک نفر وطن فروش و خائن بسازد. راستش از این جماعت هیچ چیز بعید نیست.

رابطه با تیم ملی، کار دل است

تیم ملی از جام جهانی حذف شد و طبق انتظار عده زیادی از مردم ناراحت شدند و بخش قابل توجهی از مردم هم بی تفاوت از کنار ماجرا گذشتند. عده ای هم از این شکست شادمان شدند. اینکه چه گذشت و چه شد که تیم ملی به عنوان نماد همبستگی در تاریخ معاصر ایران به چنین وضعیتی افتاد، بماند برای یک فرصت دیگر. بحث اصلی این است که چطور می توان از اینکه یک نفر به هر دلیلی یک تیم فوتبال یا بازیکنان تیم ملی یا سرمربی روی نیمکت را دوست ندارد، نتیجه گرفت آن شخص وطن فروش است و خائن. اینکه می گوییم اصلا اغراق نیست. در همین ۲۴ ساعت گذشته چندین برنامه در صداوسیما تولید شد که در آن مجریان رو به دوربین زل زدند و گفتند آنهایی که قلبشان برای تیم ملی نتپیده بویی از خاک و وطن نبرده‌اند! آنهایی که از حذف تیم ملی ناراحت نشدند وطن فروش و خائن‌اند. بعد خودشان را مثال زدند که، چون از حذف تیم ملی بسیار ناراحت شده اند، پس نماد وطن پرستی‌اند!

بین سطور همان عبارت تکراری بود؛ اگر تیم ملی را دوست ندارید جمع کنید بروید!

لازم است یک بار برای همیشه توضیح دهیم که رابطه مردم با تیم ملی، بازیکنان، سرمربی و هر آنچه به این مجموعه مربوط می‌شود، رابطه‌ای «دلی» و مستقل از استدلال است. هیچ‌کس تاکنون با استدلال به تیم ملی علاقه‌مند نشده و هیچ‌کس نیز صرفاً با توضیح و استدلال از آن رویگردان نشده است. کدام‌یک از ما زمانی که کودک بودیم، با استدلال طرفدار تیم ملی شدیم؟ پدر و مادر کدام‌یک از ما برایمان استدلال کردند و یادمان دادند که باید طرفدار تیم ملی باشیم؟ همه ما روزی به خودمان آمدیم و دیدیم دویدن یازده نفر با پیراهن سفید در مستطیل سبز و با نام ایران، برایمان مهم است. ناگهان فهمیدیم عاشق این تیم هستیم.

به همان اندازه، کسی را که امروز دیگر چنین احساسی ندارد، نمی‌توان با استدلال قانع کرد که در اشتباه است و باید طرفدار تیم ملی باشد. همان‌طور که مخالفان تیم ملی نیز به‌اشتباه اصرار دارند دیگران را از حمایت از این تیم منصرف کنند و مدام توضیح می‌دهند که این تیم سیاسی است، به اتفاقات کشور بی‌توجه بوده و چنین و چنان کرده است.

هر دو گروه از این نکته غافل‌اند که ماجرا کار دل است. وقتی پای دل در میان باشد، حساب‌وکتاب همیشه معنا ندارد و گاهی یک اشتباه، یک رفتار نادرست یا حتی یک جمله می‌تواند همه‌چیز را تغییر دهد.

این بدیهیات را نوشتیم تا به این پرسش برسیم: وقتی سیاست‌گذاران حتی از فوتبال نیز برای تقسیم مردم به «خودی» و «غیرخودی» استفاده می‌کنند، چگونه می‌توان به آینده خود در این سرزمین امیدوار بود؟ چگونه باور کنیم «ایران برای همه ایرانیان» است، وقتی برخی حتی اجازه ندارند نسبت به یک تیم فوتبال احساس متفاوتی داشته باشند؟ وقتی فوتبال به خط قرمز تبدیل می‌شود و انتقاد از بازیکنان یا کادر فنی، مصداق وطن‌فروشی و خیانت تلقی می‌شود، تکلیف مسائل مهم‌تری مانند وضعیت سیاسی کشور، عملکرد دولت، مجلس و دیگر نهادها چه خواهد بود؟

چگونه می‌گویند نقد آزاد است، درحالی‌که در رسانه ملی، افرادی که مثلاً با امیر قلعه‌نویی یا شجاع خلیل‌زاده ارتباط نمی‌گیرند، مزدور خطاب می‌شوند؟ چگونه باور کنیم ایران برای همه ایرانیان است، وقتی بخشی از مردم صرفاً به‌دلیل شوخی با شادی گل شجاع خلیل‌زاده یا ساختن میم از او و آن عینک معروفش، از سوی مجری شبکه سه شایسته شنیدن ناسزاهای موجود در آهنگ رپ «شایع» شناخته می‌شوند؟ همان جای خالی‌های معروفی که مجری برنامه جام جهانی صداوسیما مانند نقل‌ونبات به زبان می‌آورد و به هر کسی که دلش بخواهد نثار می‌کند.

دوست داشتن ایران به یک تیم فوتبال وابسته نیست

ما هنوز راهی طولانی در پیش داریم تا بتوانیم تفاوت سلیقه‌ها را در کشور به رسمیت بشناسیم؛ اما همین مسائل به‌ظاهر ساده، مانند فوتبال، می‌توانند تمرین خوبی برای این مسیر باشند.

باید یاد بگیریم کسی که تیم ملی را دوست دارد، ایرانی است و کسی که تیم ملی را دوست ندارد نیز ایرانی است. باید بفهمیم پدیده‌های اجتماعی با حذف و طرد حل نمی‌شوند؛ بلکه باید آن‌ها را شناخت و تحلیل کرد. باید پرسید چه شد که بخشی از مردم با تیم ملی زاویه پیدا کردند. کسانی که تیم ملی را دوست دارند، لزوماً در جبهه مقابل کسانی که به آن علاقه‌ای ندارند قرار نگرفته‌اند. ما همه ایرانی هستیم و کشورمان را دوست داریم؛ اما این علاقه الزاماً به یک تیم فوتبال، سرمربی یا بازیکنانش گره نخورده است. وطن بزرگ‌تر از فوتبال است و ایرانی بودن را نمی‌توان با میزان ناراحتی از حذف یک تیم سنجید.

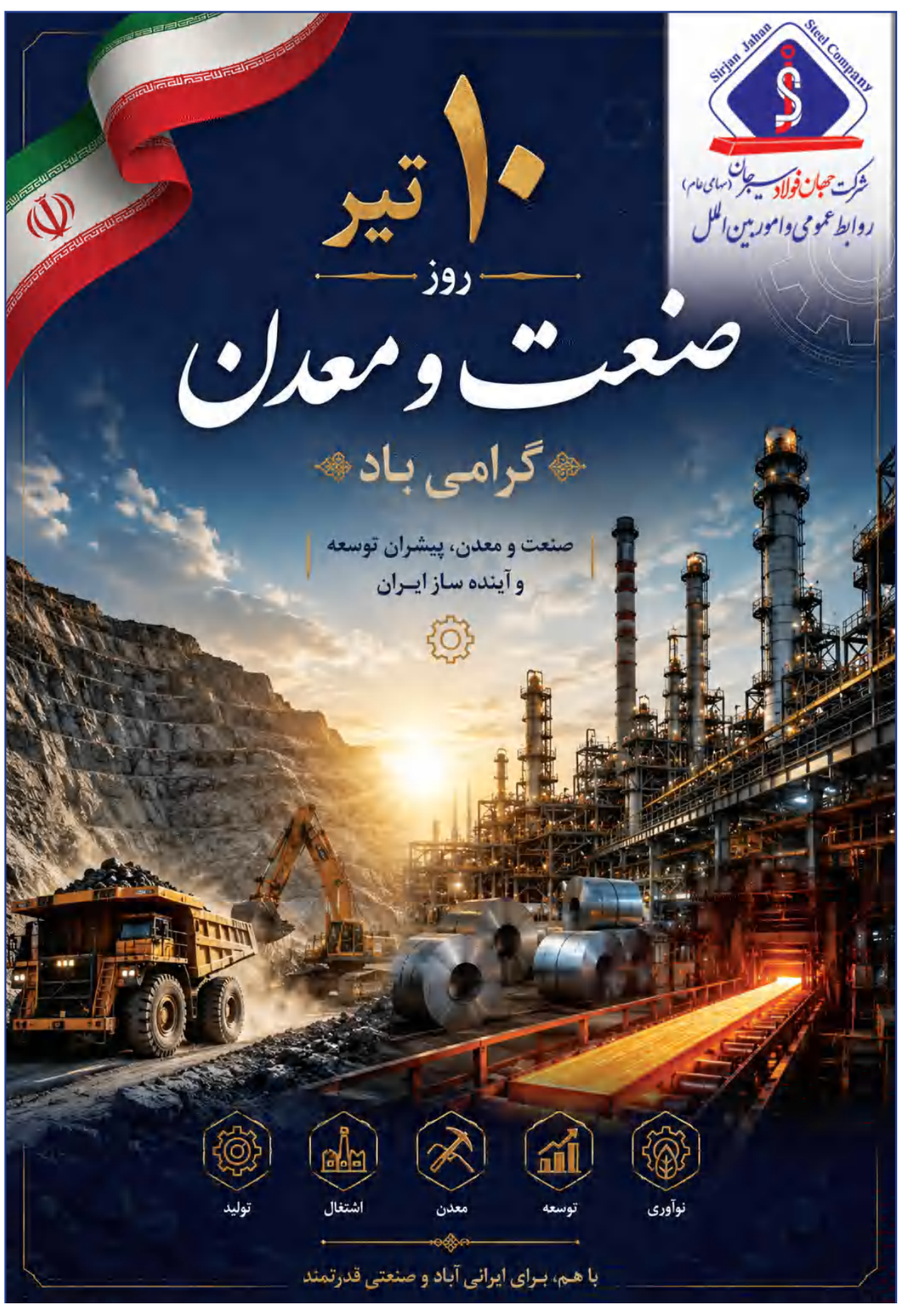

مزایده شهرداری سیرجان (نوبت اول)

آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای

جمع آوری لاستیک های فرسوده و رها شده در سطح شهر سیرجان

شهرداری سیرجان در نظر دارد مزایده عمومی **شرح مختصر؛ انجام عملیات جمع آوری لاستیک های فرسوده و رها شده در سطح شهر سیرجان** به شماره **۵۰۰۵۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۰۴** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه: روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰

مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت: از تاریخ انتشار اسناد مزایده **تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰**

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از تاریخ دریافت اسناد مزایده **تا ساعت ۱۲:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰**

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۰۹:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار: جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و ارائه پاکت ها

آدرس: سیرجان – میدان انقلاب، شهرداری مرکزی، امور قراردادها تلفن: ۵۰۰۰ ۴۱۳۲ (۰۳۴)

اطلاعات تماس سامانه ستاد: جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ (۰۲۱)

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان